

درد مشترک و رزم مشترک

برطبق گزارش‌های انتشار یافته، در اعتراضات مردم عرب استان خوزستان تاکنون دست کم ۴۰۰ نفر دستگیر شده‌اند. خبرها حاکی از آن است که اکثر بازداشت‌شدگان نوجوان هستند. گذشته از آن نیروهای اطلاعاتی و امنیتی شبانه به خانه‌ها و منازل مردم هجوم برده و عده‌ای را بازداشت کرده‌اند.

اعتراضات مردم استان خوزستان از ۸ فروردین ۹۷ با تجمع در مقابل ساختمان صدا و سیما استان خوزستان آغاز شد و بسیار زود به سایر شهرهای خوزستان مانند آبادان، خرمشهر، ماهشهر، عین دو، حمیدیه، کوت عبدالله نیز گسترش یافت. معترضان در روزهای اول خواستار عنبرخواهی صدا و سیما بودند ولی با گذشت چند روز نه تنها مسئولان صدا و سیما به این خواسته پاسخی ندادند، بلکه به روال معمول، نیروهای سرکوب رژیم وارد صحنه شدند و با پرتاب گاز اشک‌آور، شلیک گلوله‌های پلاستیکی، و ضرب و شتم وحشیانه به مقابله با مردم رفتند. از تعداد مجروحان و کشته‌شدگان هنوز اطلاعی در دست نیست. فرمانده نیروی انتظامی در حالی ادعا می‌کند، کسی در تظاهرات شهرهای خوزستان کشته نشده است که یکی از نماینده‌های مجلس می‌گوید "شب تا صبح صدای گلوله شنیده می‌شود".

در برنامه‌ای در روز دوم فروردین، مجری یکی از برنامه‌های تلویزیونی، روی نقشه ایران، عروسک‌هایی را با لباس ملیت‌های مختلف در محل زندگی آنها می‌چسباند، اما کنار نام اهواز، به جای عروسکی با لباس عربی، عروسک دیگری را قرار داد. این سرآغازی شد بر تجمعات و اعتراضات در خوزستان که این برنامه را ادامه سیاست‌های تبعیض‌آمیز و حذفی رژیم در قبال اعراب ایران می‌دانند. اما در ادامه تظاهرات و گسترش آن، طرح مطالبات دیگر بسیار زود آبخور نارضایتی مردم را آشکار ساخت. معضلاتی چون مشکل بیکاری، حقوق معوقه کارگران، تبعیض در سیاست استخدامی علیه بومی‌ها، انتقال آب از سرشاخه‌های کارون، روند تخریب محیط زیست، حق تحصیل به زبان مادری، توقف روند دستگیری فعالین مدنی عرب، تاسیس روزنامه و رسانه‌های مستقل به زبان عربی و در ادامه آن آزادی دستگیرشدگان. یعنی آمیزه‌ای از مطالبات اقتصادی و رفاهی، سیاسی، ملیتی و محیط زیستی.

استان خوزستان، طبق سرشماری دو سال پیش با جمعیتی در حدود ۴ / ۷ میلیون نفر، پنجمین استان کشور از نظر جمعیتی است. ۳۳ / ۶

در صفحه ۲

ملتی که ۷۰ سال از حق بدیهی خود برای تعیین سرنوشت محروم است



در نیایی که بوق‌های تبلیغاتی سرمایه‌داران، جهان‌سرمایه‌داری را به عنوان مدافع آزادی و دموکراسی تقدیس می‌کنند. ملتی وجود دارد که به‌رغم ده‌ها سال مبارزه و مقاومت، از حق تعیین سرنوشت خویش محروم است و اعتراضات آن‌ها در سکوت جهان سرمایه‌داری به خون کشیده می‌شود. ملت فلسطین.

دولت جنایتکار اسرائیل بار دیگر جوانان و نوجوانان فلسطینی را به قتل رساند. در دومین جمعه از جمعه‌های اعتراض که قرار است شش هفته به طول انجامد، با تیراندازی و آتش توپخانه ارتش اسرائیل به روی مردم غیر مسلح، هشت فلسطینی کشته و بیش از هزار نفر زخمی شدند. یکی از کشته‌شدگان فلسطینی نوجوانی بود که

در صفحه ۳

زنده باد تشکل مستقل کارگری پاینده باد مبارزات کارگران هفت‌تپه

در صفحه ۸

مبارزه قهرمانانه کارگران فرانسوی

موجی از اعتصابات و تظاهرات، فرانسه را فراگرفته است. طبقه کارگر فرانسه به نبردی قهرمانانه برای مقابله با تعرضات بورژوازی به دست‌آوردهای مبارزاتی خود و عموم توده‌های زحمتکش برخاسته است. در جهان سرمایه‌داری، کارگران فرانسوی نمونه‌ای استثنائی هستند که تاکنون توانسته‌اند در برابر یورش سیاست اقتصادی نئولیبرالیسم، برخی از دست‌آوردهای مهم خود را که نتیجه سال‌ها مبارزه است، حفظ کنند.

در صفحه ۴



باوربه انقلاب و قدرت توده‌ها

خیزش قهرمانانه جوانان و توده‌های سرکوب شده در دیماه ۹۶، که با اعتراضات وسیع خیابانی کلیت هیات حاکمه ایران را به چالش گرفتند، فقط جلوه‌ای از قدرت لایزال توده‌ها در مقابله با جمهوری اسلامی بود. این اعتراضات و شورش‌های خیابانی، که در اندک زمانی بیش از ۹۰ شهر ایران را فرا گرفت، تحولات سیاسی و فضای دیگر گونه‌ای را در سطوح مختلف جامعه رقم زد. اعتراضاتی که قدرت بهم پیوسته و متحدانه توده‌ها را به نمایش گذاشت، باورمندی به انقلاب اجتماعی را جایگزین توهم

در صفحه ۵

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

درد مشترک و رزم مشترک



یک روز، گزارش‌هایی از انتقال صدها نفر به بیمارستان‌ها منتشر می‌شود. هفته گذشته بود که رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور در جلسه "ستاد مقابله با خشکسالی در استان خوزستان" با هشدار نسبت به شیوع بیماری وبا و بیماری هپاتیت آ خبر داد. و در برابر اعتراضات و تجمعات مکرر مردم در برابر ساختمان استانداری، در بهمن ۹۵، فرمانده انتظامی خوزستان با صدور فرمانی، هر گونه تجمع در مقابل استانداری را ممنوع اعلام کرد.

با وجود این، در بوده سال ۹۷، هزینه مقابله با ریزگردها حذف شد و تنها پس از اعتراضات دی ماه بود که با "اجازه" خامنه‌ای و پس از برداشت چهار میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی، تنها ۱۵۰ میلیون دلار از آن به مقابله با ریزگردها اختصاص داده شد؛ آن هم در برابر اختصاص دو و نیم میلیارد دلار جهت فعالیت‌های نظامی جمهوری اسلامی و ۱۵۰ میلیون دلار به صدا و سیما برای تولید برنامه‌هایی همچون برنامه شونبستی فروردین ماه امسال.

ریزگردها تنها به سلامتی مردم لطمه نمی‌زنند. به گفته معاون فنی جهاد کشاورزی دزفول گفت، طبق برآورد اولیه و مشاهده میدانی کارشناسان کشاورزی بروز پدیده ریزگردها در سال زراعی ۹۷ - ۹۶، یک هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال به محصولات زراعی و باغی شهرستان دزفول خسارت وارد آمده است.

تبعیض ملی، دستگیری و پیگردهای قضایی فعالان مدنی، توهین‌های مکرر و نژادپرستانه رسانه‌های حکومتی همراه با فقر و ستم و سرکوب مضاعف ناشی از تعلق به یکی از ملیت‌های ساکن در ایران، وضعیت عرب‌های ساکن استان خوزستان را دو چندان هولناک‌تر کرده است.

روز ۱۸ فروردین، نماینده خوزستان در "مجلس خبرگان رهبری" وحشت‌زده از اعتراضات مردمی، طی بیانیه‌ای به "مطالبات به حق" مردم اشاره کرد و با سر هم کردن مزخرفاتی مدعی شد، این مطالبات "زیر سایه پرچم اتحاد اقوام حول محور ولایت فقیه به نتیجه مطلوب خواهد رسید نه با تفرقه‌افکنی و آتش‌افروزی توسط دشمنان قسم خورده نظام و انقلاب". این آخوند مرتجع، به روال رواج یافته پس از اعتراضات سراسری دی ماه، با اعتراف به "مطالبات

کارگران. از اعتراضات خیابانی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز هنوز چندی نگذشته است. اعتراضاتی که با یک اعتصاب ۲۶ روزه همراه بود و با شعارهای متنوعی چون "سفره ما خالی، ظلم و ستم کافیه"، و "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده ملت". پاسخ رژیم به این اعتراضات، باز هم، یورش شبانه نیروهای امنیتی و سرکوب به منازل کارگران و بازداشت حدود ۱۵ تن از فعالان کارگری، همرا با تهدیدات رئیس کل دادگستری خوزستان مبنی بر "بروز مشکلات بیشتر برای کارگران" در صورت تجمع و شعار دادن بود. رژیم در برابر اعتراضات و اعتصابات کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه نیز همین شیوه را در پیش گرفت. در سال گذشته، تنها در هفت‌تپه بیش از ۷۰ کارگر احضار، بازداشت یا زندانی شده‌اند و بسیاری از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و هیئت مدیره آن، بارها بازداشت شده و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفتند. این تنها دو نمونه است. به گزارش "عصر جنوب"، کارگران خوزستانی به طور میانگین در سال گذشته هر روز یک تجمع برگزار کرده‌اند.

در تظاهرات دوم دی ماه ۹۶، حتی پیش از آغاز اعتراضات سراسری، مردم خوزستان در اعتراضات خود خطاب به مسئولان رژیم شعار می‌دادند: "نفت و گاز و چایبیدی، آب هم که می‌زدیدید، دیگه چیزی نمونده، به خون‌مون رسیدی".

شعاری بسیار پرمعنا، زیرا رژیم با تخریب محیط زیست و سوءمدیریت منابع آبی در چهل سال گذشته، حتی آب و هوای قابل تنفس را نیز از مردم این منطقه دریغ کرده است و سلامت آنان را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است. در نتیجه انتقال آب رود کارون و سرشاخه‌های آن طی چندین پروژه عمده به مرکز ایران، تالاب‌ها و منابع آبی این استان خشک شده است. علت دیگر را باید در این منطقه در سودجویی و عدم توجه سرمایه‌داران به محیط زیست و البته حمایت دولتمداران از اقدامات آنان جست. نماینده شادگان در مجلس اسلامی، چند روز پیش گفت، "هم اکنون نیشکر به صورت گسترده آب مصرف کرده و آب شیرین را تبدیل به آب شور می‌کند، این در حالی است که در همین نقطه تالاب شادگان و نخلستان خشک است؛ متأسفانه هیچ اولویت بندی مناسبی در این شرایط صورت نمی‌گیرد، صنعت نیشکر در شادگان بدون حساب مشخصی آب مصرف می‌کند".

بروز ریزگردها در نتیجه‌ی خشک شدن تالاب‌ها و منابع آبی این استان، همچون چندین استان دیگر، بارها باعث تعطیلی مدارس و ادارها، لغو پروازها و ایجاد مشکلات تنفسی برای اهالی این استان شده است. در بهمن ماه یک مقام بهداشتی خبر داد میزان ریزگردها در این استان و برخی از مناطق جنوب غربی کشور "از شاخص فوق بحران" نیز عبور کرده است. به گونه‌ای که گاهی میزان ریزگردها در برخی از شهرهای این استان به بیش از ۶۰ برابر حد مجاز رسیده است. در نتیجه، در شهرهایی مانند اهواز، آبادان و مناطق دیگر خوزستان، تنها در

درصد از این جمعیت عرب، ۴ / ۳۲ درصد آن لر، ۹ / ۳۱ درصد آن فارس و بقیه از ملل مختلف هستند. این استان نفت‌خیز، پس از استان تهران، در تولید ناخالص داخلی، با سهمی ۱۰ درصدی رتبه دوم را داراست و از لحاظ ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی در رتبه نخست قرار دارد. به گفته نورالله حسن‌زاده رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان خوزستان در دی ماه ۹۶، خوزستان ۲۳ پتروشیمی دارد که در سال ۱۸ میلیون تن تولیدات دارند. همچنین در این استان، سالانه ۳ / ۶ میلیون تن فولاد خام و ۷۰۰ هزار تن شکر تولید می‌شود و دارای ۴۰۰ واحد تولید قطعات مورد نیاز نفت، گاز، پتروشیمی و حفاری است. در حالی که در گزارش "مشرق" در تیر ماه ۹۶، بنگاه‌های اقتصادی و شهرک‌های صنعتی این استان، "گورستان ماشین‌آلات و حصارهای بتونی" توصیف شده است. در بهار ۹۶ نیز، بنا به آمار رسمی، خوزستان با نرخ بیکاری ۳ / ۱۵ درصدی، جزو ۳ استان بیکار کشور قرار داشت. در چشم‌انداز نیز وضعیت بهتری دیده نمی‌شود. در ۱۷ اردیبهشت، معاونت حفاظت بهره برداری سازمان آب خوزستان با توجه به کاهش بارندگی و ذخایر آب در دو نوبت به مزارع پرورش ماهی هشدار داده است که آبگیری نکنند و برای سال ۹۷ برنامه ریزی تولید نداشته باشند. مزارعی که برای ۳۰ تا ۳۵ درصد بازار استان و بیش از ۵۰ درصد بازار عراق تولیدات دارد. اجرای این تصمیم، به گفته معاون آبی پرورش اداره کل شیلات خوزستان، نه تنها بیکاری ۱۵ هزار را در پی خواهد داشت، بلکه منجر به تشکیل یک کانون ریزگرد دیگر در اهواز خواهد شد. همچنین بنا به یکی از اخبار، با توجه به قیمت بالای سوخت لنج‌ها، قرار است رفته رفته ملوانان و ناخداها هم به جمع بیکاران افزوده شوند. بیکاری مزمونی که یکی از علل آن، تبعیض در استخدام نیروهای بومی و غیر بومی است. بنا به ادعای مقامات تنها ۳۰ درصد از مشاغل به غیر بومیان اختصاص دارد، اما مردم خوزستان تجربه‌ای دیگر دارند. گذشته از آن که تمامی شرکت‌های نفتی عمدتاً نیروهای غیر بومی را استخدام می‌کنند. برای نمونه می‌توان به اعتراضات بسیاری از اهالی بومی در حد فاصل اهواز تا خرمشهر در آذر ماه اشاره کرد. روستاییانی که در دهه ۷۰ شمسی، به امید توسعه و پیشرفت، زمین‌های کشاورزی خود را با قیمت‌هایی اندک به کارخانه‌های نیشکر فروختند. یکی از شروط نیز، اسدخدام نیروهای بومی در این کارخانه‌ها بود. شرطی که با گذشت بیش از ۲۰ سال، نه تنها از سوی کارخانه‌داران عملی نشد، بلکه با سوزاندن نیشکر و مصرف بی‌رویه آب، به تخریب محیط زیست دامن زدند. نمایندگان مجلس اسلامی نیز از سال ۹۵ وعده داده‌اند درباره این مسایل و نیز تخلفات مالی و حقوق‌های نجومی مدیران "تحقیق و تفحص" کنند!

اما بیکاری تنها معضل این استان نیست. مطالبه دیگر مردم، یعنی پرداخت حقوق معوقه، آینه‌ایست از وضعیت انبوهی از شاغلان، یعنی

ملتی که ۷۰ سال از حق بدهی خود برای تعیین سرنوشت محروم است



هزاران حلقه لاستیک را به آتش کشیده و با بهره‌گیری از آینه تلاش کردند تا در دید تک تیراندازهای ارتش اسرائیل اخلال ایجاد کنند.

شورای امنیت نیز که در ۳۱ مارس جلسه اضطراری تشکیل داده بود، بدون نتیجه به جلسه "اضطراری" خود پایان داد. دبیرکل سازمان ملل خواستار تحقیق مستقل در مورد کشته شدن معترضان شد، دولت اسرائیل اما هرگونه تحقیق مستقل را رد کرد و اعلام کرد مشت آهنین خود را در اعتراضات بعدی بار دیگر به کار خواهد گرفت. دولت آمریکا نیز با وقاحت تمام از فلسطینیان خواست تا از اقدامات خشونت آمیز و تحریک آمیز دست بردارند!!

این حق طبیعی مردم فلسطین است که سرنوشت خویش را خود تعیین کنند. حتی که از این مردم دریغ شده و نتیجه‌ی آن ظلمی است که در طول ۷۰ سال به آنها از سوی دولت اسرائیل و حامیان‌اش اعمال گشته است. اما خلق فلسطین برای تحقق خواست خود در تمام این سال‌ها با مبارزات و جانفشانی‌های خود پرچم مبارزه را همچنان برافراشته نگاه داشت. درس‌های تاریخی مردم فلسطین، از جمله واقعیت‌ها و شرایط کنونی نشان می‌دهند که مهم‌ترین سلاح کارگران، زحمتکشان و دیگر ستمدیدگان فلسطینی برای مبارزه نیروی متحد خودشان است.

در این مبارزه اما فلسطینیان تنها نیستند. تنها متحد واقعی خلق فلسطین در جهان، کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی و دمکرات، کارگران و دیگر ستمدیدگان جهان بوده و هستند، همان‌طور که در روزهای اخیر در بسیاری از شهرهای مهم جهان در حمایت از خلق فلسطین و محکومیت جنایات دولت صهیونیستی اسرائیل دست به تظاهرات زدند.

اسلامی فلسطین" در اواخر آذرماه گذشته اشاره کرد که گفت: "دولت صهیونیستی در ۲۵ سال آینده وجود خارجی نخواهد داشت".

اختلاف در میان گروه‌های فلسطینی نیز عامل مهم دیگری است که باز نقش دولت‌های مرتجع منطقه از جمله ایران در آن کاملاً هویداست. متأسفانه هم اکنون گروه‌هایی قدرت در غزه و کرانه باختری را به انحصار خود درآورده‌اند که سیاست‌های‌شان به دلیل برخی وابستگی‌ها به قدرت‌های منطقه‌ای، بیش از آن‌که در راستای منافع و خواست خلق فلسطین باشد با آن در تضاد است. همچنین رشد فساد و ناکارآمدی دولت خودمختار فلسطینی که بررسی علل آن خود مقاله جداگانه‌ای را می‌طلبد - و البته خود نتیجه‌ی شرایطی است که به مردم فلسطین تحمیل شده - و از همه‌ی این شرایط نیز دولت اسرائیل به نفع خود بهره می‌گیرد.

اما اعتراضات اخیر که بعد از جنگ چهارسال پیش میان دولت اسرائیل و گروه حماس، بحرانی‌ترین شرایط بین دولت اسرائیل و مردم فلسطین را رقم زده، به مناسبت "روز زمین" (یوم الارض) آغاز شد و قرار است تا شش هفته، ۱۵ ماه مه (۲۵ اردیبهشت)، هفتادمین سالگرد تاسیس دولت اسرائیل ادامه یابد. در ۱۵ مه ۱۹۴۸ و هم‌زمان با اعلام تاسیس دولت اسرائیل، ۷۰۰ هزار فلسطینی از سرزمینی که در آن زندگی می‌کردند و اکنون کشور اسرائیل نام گرفته، آواره و مجبور به ترک خانه و زمین خود شدند.

"روز زمین" نیز یادآور قیام فلسطینیان در ۳۰ مارس ۱۹۷۶ است. در پی مصادره ۲۱ هزار کیلومتر مربع از اراضی و خانه‌های عرب‌های فلسطینی از "الجلیل" تا صحرائی "نگب" به نفع مهاجران یهودی، در منطقه‌ای که دیگر دولت اسرائیل مستقر شده بود، فلسطینیان دست به اعتصاب و تظاهرات زدند که توسط دولت اسرائیل به شدت سرکوب شد. در آن اعتراضات شش نفر کشته، ۱۰۰ نفر زخمی و صدها نفر دستگیر شدند. از آن زمان به بعد "روز زمین" به یکی از روزهای مهم در تقویم مبارزاتی فلسطینیان تبدیل شد و همواره در این روز اعتراضاتی از سوی فلسطینیان برگزار می‌شود. اما امسال با توجه به اعلام افتتاح سفارتخانه‌ی آمریکا در اورشلیم و هفتاد سالگی تاسیس دولت اسرائیل این اعتراضات از شدت بیشتری برخوردار شد.

در ۳۰ مارس "روز زمین" حدود ۵۰ هزار فلسطینی در شش نقطه مرزی در نوار غزه در تظاهرات شرکت کردند. البته در کرانه باختری نیز اعتراضات محدودی شکل گرفت.

جمعه بعد، شش آوریل، و به‌رغم شدت عمل ارتش اسرائیل در برخورد با معترضان در ۳۰ مارس، بار دیگر فلسطینیان با شور و شوق بسیار دست به اعتراض زدند. در این اعتراضات نیز حداقل ۳۰ هزار فلسطینی از جمله جوانان، نوجوانان و زنان فلسطینی شرکت داشتند. در این روز فلسطینیان برای مقابله با ارتش اسرائیل

گلوله بر سینه‌ی او نشست. در هفته گذشته نیز یک نوجوان ۱۶ ساله فلسطینی به طرزی مشابه توسط ارتش جنایتکار اسرائیل به قتل رسیده بود. در طول دو هفته اخیر سی فلسطینی کشته و بیش از دو هزار تن زخمی شده‌اند.

دولت اسرائیل برای مقابله با اعتراضات فلسطینیان، جدا از استقرار نیروهای نظامی، زرمپوش، اعلام منطقه ممنوعه نظامی در محدوده‌ی مرزها و بکارگیری انواع گازاشک‌آور، بیش از ۱۰۰ تن تیرانداز را برای قتل معترضان فلسطینی به کار گرفته است. بی‌روایی و گستاخی ارتش اسرائیل در مقابله با اعتراضات فلسطینیان، بیش از هر چیز به شرایط کنونی برمی‌گردد. دولت آمریکا از زمان ریاست جمهوری ترامپ بیشترین حمایت‌ها را از دولت صهیونیستی اسرائیل به عمل آورده و قرار است هم‌زمان با هفتادمین سالگرد تاسیس دولت اسرائیل سفارت خود را در اورشلیم افتتاح کند که با انتقاد حتی نزدیک‌ترین متحدان امپریالیست خود قرار گرفته است.

کشمکش‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای بین دولت‌های ارتجاعی منطقه (با حضور دولت‌های امپریالیستی) بویژه در سوریه، لبنان، عراق و یمن از دیگر عواملی است که باعث به حاشیه رفتن مساله فلسطین و تقویت موقعیت دولت اسرائیل شده است.

در واقع اسرائیل می‌داند که با هیچ فشاری از سوی کشورهای دیگر به خاطر جنایاتش روبرو نخواهد شد. بی‌ارزش شدن قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله آخرین قطعنامه این شورا در رابطه با آتش بس در سوریه (عفرین و غوطه شرقی) که تنها بر روی کاغذ باقی ماند یکی از نشانه‌های روشن این موضوع است. کاهش نقش سازمان ملل و شورای امنیت نتیجه تشدید تضادهای دول سرمایه‌داری جهان چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای است که با رشد تضاد بین دول امپریالیستی شاهد کاهش هر چه بیشتر نقش سازمان ملل خواهیم بود.

نقش مخرب جمهوری اسلامی و دولت‌های ارتجاعی منطقه هر کدام به شکلی از دیگر عوامل این مساله هستند. دول ارتجاعی عرب منطقه سال‌هاست که با عمده کردن خطر دولت جمهوری اسلامی عملاً روابط بهتری را با اسرائیل کلید زده و مساله فلسطین برای آن‌ها حتی کم‌رنگتر از گذشته شده است، این مساله متأسفانه در اذهان توده‌های عرب ساکن این کشورها نیز به عنوان "توسعه‌طلبی شیعه" تأثیرگذار بوده است.

دولت جمهوری اسلامی نیز با طرح شعارهایی افراطی در رابطه با محو اسرائیل تنها به دولت صهیونیستی اسرائیل امکان داده تا فریاد حق‌طلبی مردم فلسطین برای حق تعیین سرنوشت خویش را واژگونه نشان داده و بگوید که خواست واقعی آن‌ها محو اسرائیل است و این‌گونه بر افکار بخشی از مردم جهان اثر بگذارد. از آخرین نمونه‌های آن نیز می‌توان به سخنان خامنه‌ای در دیدار با دبیرکل "جنبش جهاد

**زنده باد همبستگی
بین المللی کارگران**

مبارزه قهرمانانه کارگران فرانسوی



امانول ماکرون رئیس‌جمهوری کنونی فرانسه از همان آغاز به قدرت رسیدن، یکی از وظائف خود را تشدید این سیاست اقتصادی، واگذاری حتی بخش‌های خدمات عمومی به سرمایه‌داران خصوصی و یورش به دست‌آوردهای کارگران فرانسوی قرارداد. در سال گذشته به‌رغم اعتراضات و تظاهرات وسیع، طی فرمان‌هایی برخی برنامه‌های ارتجاعی خود را علیه کارگران و تحصیلات عالی به مرحله اجرا گذاشت. اکنون او و کابینه‌اش تلاش جدیدی را برای یورش به دست‌آوردهای کارگران خطوط ریلی و خصوصی‌سازی بخش دیگری از خدمات عمومی آغاز کرده‌اند. او وارد عرصه‌ای شده است که تاکنون کابینه‌های رنگارنگ فرانسه نتوانسته بودند در نتیجه ایستادگی کارگران، آن را عملی کنند. ماکرون اکنون تصمیم گرفته است که از طریق فرمان و همچنان بدون بحث‌های دست و پاگیر پارلمانی در مورد جزئیات طرح‌های ضد کارگری در پارلمان فرانسه، این تغییرات را وارد قوانین و مقررات کار کند و با دست بردن در قانون کار، این دست‌آوردهای کارگران را باز پس گیرد. شرایط استخدام کارکنان بخش ریلی را تغییر دهد و اساساً این بخش را به سرمایه‌داران خصوصی واگذار نماید.

کارگران شبکه ریلی دولتی فرانسه "مجمع ملی راه‌آهن فرانسه"، تاکنون به خاطر شرایط دشوار کار از امنیت و تضمین شغلی، ۲۸ روز مرخصی سالانه با حقوق کامل، بازنشستگی زودهنگام و برخورداری از امکانات بازنشستگی ویژه، افزایش خودکار حقوق سالانه، و برخورداری خانواده درجه یک کارگران از بلیط رایگان قطار برخوردار بوده‌اند. اصلاحات ماکرون، می‌خواهد در استخدام‌های جدید، اشتغال تضمین‌شده، مزایای بازنشستگی، از جمله، بازنشستگی زودهنگام و دیگر دست‌آوردهای کارگران را از قراردادهای کار حذف کند و این بخش را به سرمایه‌داران خصوصی واگذار کند. اما اینجا عرصه‌ای نبود که کارگران به‌سادگی عقب‌نشینی کنند، چراکه کل دست‌آوردهای کارگران و فراتر از آن توده‌های وسیعی از مردم فرانسه درخطر است. بنابراین، چهار سندیکای مهم فرانسه تصمیم گرفتند که در مقابل این تعرض بورژوازی که درعین‌حال حمله‌ای به دست‌آوردهای عموم زحمتکشان فرانسوی و بخش خدمات عمومی است، بایستند. آن‌ها از ۷۴ هزار کارگران مجمع ملی راه‌آهن فرانسه خواستند که به مدت سه ماه از هر ۵ روز، دو روز را در مخالفت با برنامه دولت دست از کار بکشند. به‌رغم تمام تشبیهات بورژوازی و بلندگوهای تبلیغاتی آن، اولین سری از این اعتصابات، سوم و چهارم آوریل ۱۴ و ۱۵ فروردین با موفقیت آغاز گردید. این اعتصاب چنان موفق بود که فرانسه را به‌کلی فلج کرد. بیش از ۶۰ درصد کارگران در روز اول دست از کار کشیدند. ۷۷ درصد رانندگان به اعتصاب پیوستند.

در روز دوم از هر هشت قطار سریع‌السیر تنها یک قطار حرکت کرد. تقریباً همه کارگران در اعتصاب بودند. یکی از دلایل موفقیت این

اعتصاب تاکنون، نه‌فقط مشارکت عمومی کارگران و کارکنان خطوط ریلی، بلکه بر طبق گزارش مؤسسات نظرخواهی، حمایت لاقل نیمی از مردم فرانسه از خواست‌ها و اعتصاب کارگران راه‌آهن است.

اما مسئله فقط به حمایت لفظی از این اعتصاب خلاصه نشد. اعتصابات کارگران راه‌آهن هم‌زمان‌شده است با موج اعتصابات و تظاهرات در سراسر فرانسه.

تعرضات کابینه جناح راست بورژوازی، برای خصوصی‌سازی و تغییر در قانون کار، عرصه وسیع‌تری از حقوق و مزایای کارگران فرانسوی را در برمی‌گیرد و دست سرمایه‌داران را برای تشدید استثمار و حذف بسیاری از حقوق اجتماعی و امکانات رفاهی باز خواهد گذاشت. از همین روست که علاوه بر اعتصابات کارگران خطوط ریلی، ده‌ها هزاران تن از معلمان، کارکنان بخش‌های درمان، کارگران نظافتچی، کارگران برق، خطوط هوایی و دانشجویان به اعتصاب و تظاهرات روی آورده‌اند.

دانشجویان در جریان این مبارزه، تعدادی از دانشگاه‌ها را اشغال کردند. در برخی موارد تظاهرات کارگران، به درگیری با پلیس انجامید. پیش‌ازین، در ۲۲ مارس نیز ده‌ها هزار معلم، پرستار و کارمندان بخش‌های دیگر این کشور در مخالفت با نئولیبرالیسم، خصوصی‌سازی‌ها و کلیت برنامه اقتصادی ماکرون به اعتصاب و تظاهرات متوسل شدند.

در مهرماه سال گذشته نیز ده‌ها هزار نفر از مردم فرانسه در اعتراض به سیاست‌های ماکرون که بر طبق یک فرمان، دست سرمایه‌داران را در استخدام و اخراج باز می‌گذاشت، دست از کار کشیدند و تظاهرات گسترده‌ای را سازمان دادند. کارکنان بخش عمومی فرانسه نیز در اعتراض به برنامه دولت برای عدم افزایش حقوق و کاهش شمار شاغلان این بخش دست از کار کشیدند.

اما اعتصابات گسترده هفت ماه پیش هم مانع از آن نشد که امانول ماکرون تغییر قوانین کار و تعرض به حقوق و دست‌آوردهای کارگران را متوقف کند. طبقه کارگر نیز مصمم به مبارزه‌ای تعرضی‌تر است.

اکنون چنین به نظر می‌رسد که اعتراضات وارد مرحله جدید و تعرضی پرده‌مانه شده است. اعتصابات در حال گسترش‌اند. کارکنان شرکت هواپیمایی ایر فرانس با اعتصابات خود خواهان شش درصد اضافه‌حقوق سالانه هستند. اتحادیه‌های کارگری شرکت ایرفرانس برای

اعتصاب دیگری در روزهای ۱۰ و ۱۱ آوریل (۲۲ و ۲۳ فروردین) نیز فراخوان داده‌اند. کارگران نظافتچی خواهان کاهش سن بازنشستگی هستند. دانشجویان خواستار توقف برنامه نئولیبرالیستی ماکرون در دانشگاه‌ها هستند که هدف آن خصوصی‌سازی تحصیلات عالی به نفع ثروتمندان و سرمایه‌داران است. معلمان و پرستاران به مقابله با تعرض به خدمات عمومی و حقوق و مزایای خود برخاسته‌اند.

به‌رغم این‌که ماکرون و کابینه‌اش اعلام کرده‌اند که بی‌توجه به اعتراضات کارگران، برنامه لیبرال‌سازی اقتصاد و تغییرات در قانون کار را ادامه خواهند داد، اما طبقه کارگر فرانسه نیز مصمم به مقابله برای وادار کردن بورژوازی به عقب‌نشینی است.

از آنجائی که سیاست‌های ارتجاعی ماکرون نه‌فقط علیه کارگران و کارکنان بخش دولتی و خصوصی، بلکه علیه عموم توده‌های زحمتکش فرانسه است، این امکان و احتمال قوی است که اعتراضات تبدیل به چنان جنبش گسترده‌ای شوند که شرایطی نظیر ماه مه ۱۹۶۸ را در فرانسه پدیدآورند و تمام موجودیت بورژوازی را مورد تهدید قرار دهند.

طبقه کارگر فرانسه با سنت‌های رادیکال و مبارزمجوبانه خود می‌تواند این مبارزه را با استواری ادامه دهد و بار دیگر نمونه‌ای باشد نه‌فقط برای تعرضات کارگران اروپائی علیه بورژوازی، بلکه کارگران سراسر جهان.

کارگران ایران نیز می‌توانند و باید درس‌های فراوانی از کارگران فرانسوی و مبارزات آن‌ها بیاموزند. مهم‌ترین درس این است که اگر کارگران فرانسوی قادرند در برابر طبقه سرمایه‌دار بایستند و با برنامه‌های آن مقابله کنند و میلیون‌ها تن از توده‌های زحمتکش را زیر پرچم خود بسیج نمایند، متشکل‌اند. بخش بزرگی از کارگران در سندیکاها متشکل شده‌اند. این تشکل کارگران امکان می‌دهد که حتی اغلب کارگرانی که در سندیکاها متشکل نیستند، در جریان مبارزات، از تصمیمات سندیکاها تبعیت کنند.

گرچه رژیم دیکتاتوری عربیان حاکم بر ایران این امکان را از کارگران سلب کرده است که آزادانه در سازمان‌های سیاسی و اقتصادی و صنفی خود متشکل شوند، اما کارگران ایران باید با استفاده از تمام اشکال تشکل مخفی و علنی برای متشکل شدن تلاش کنند.

باوربه انقلاب و قدرت توده ها

بی حاصل "اصلاحات" درونی نظام کرد، و مهمتر اینکه توازن قوای سیاسی را به نفع کارگران و توده های تھی دست تغییر داد. این تحولات سترگ، حاصل مبارزات پرشور و سلحشورانه توده های پایمال شده در دیماه گذشته بود. اعتراضاتی وسیع و عمومی که طی کمتر از ده روز، پایه های استبداد و ستون های کاخ ستمگران را به لرزه درآورد. تحولاتی که پیامد آن، "پائینی ها"، به دگرگونی وضعیت موجود امیدوار شدند و "بالایی ها"، در وحشتی فزاینده به کابوس سقوط و مرگ فرو رفتند. کابوسی که تمامی دست اندرکاران و جناح های هیات حاکمه اکنون در آن گرفتار آمده اند و طی این مدت، به رغم فروکش کردن شعله های اولیه این خیزش عمومی، هر یک به زبانی بر عروج دوباره اعتراضات وسیع توده ای اعتراف می کنند و در وحشتی فزاینده نسبت به فروپاشی نظام جمهوری اسلامی هشدار می دهند. هشدارهایی که به مرور بر تمام بخش های هیات حاکمه سایه افکنده است.

از هشدارهای تند و تیز و پی در پی سران و نظریه پردازان "اصلاح طلبان" حکومتی که بگذریم؛ احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان و رئیس مجلس خبرگان، از جمله نخستین کسانی از درون قدرت فائقه بود، که با "نگرانی" از فروپاشی جمهوری اسلامی سخن گفت. جنتی طی نشستی در ۱۶ بهمن ماه ۹۶، اعلام کرد: "مسئله براندازی را جدی بگیریم، سال ۹۷ سال سختی برای نظام خواهد بود".

حسن روحانی، طی سه ماه گذشته بارها بر خطر فروپاشی نظام تاکید داشته و با بیان اینکه، ما همه سرشنیان یک گشتی هستیم و اگر کشتی جمهوری اسلامی غرق شود، همه با هم غرق می شویم، آشکارا به خامنه ای و نیروهای تحت امر او در مورد از هم گسیختگی نظام هشدار داده است.

عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور جمهوری اسلامی نمونه دیگری از مسئولان رده بالای نظام است که آشکارا وحشت و نگرانی خود را از برآمد دوباره خیزش های توده ای اعلام کرده است. رحمانی فضلی، طی گزارش مبسوطی در روزنامه های ایران و همشهری، ضمن بیان ریشه "ناآرامی ها"، "عمومی" شدن ناراضیاتی و میزان "سطح انباشتگی ناراضیاتی های" موجود در جامعه و نیز با تاکید بر اینکه مجموعه دلایل و عوامل ناراضیاتی توده ها همچنان پابرجا هستند، به مسئولان طراز اول حکومتی هشدار داده است: "یک جرقه کافی ست تا [اعتراضات] شعله ور شود". اظهارات صریح و بی پرده رحمانی فضلی، با توجه به جایگاه ویژه ای که در دستگاه دولتی و سیستم امنیتی کشور دارد، می تواند برآیندی از وحشت طبقه حاکم نسبت به برآمد دوباره خیزش توده های تحت ستم و نمایش قدرت متحدانه آنان در زمانی نه چندان دور باشد.

اند، به تکاپو انداخته است. نهضت آزادی ایران، یکی از همین نیروهای وحشت زده از قدرت تودها ست. نهضت آزادی در بیانیه ای که به مناسبت سال نو خورشیدی منتشر کرد، از خیزش سلحشورانه جوانان و توده های ستمدیده در دی ماه ۹۶، به عنوان "رخدادهای اندوهبار" نام برده و نسبت به خطر فروپاشی سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی هشدار داده است. این جریان بورژوا- لیبرال که خود یکی از پایه گذاران نظام منقور جمهوری اسلامی ست و به لحاظ طبقاتی همواره از روی آوری کارگران و توده های زحمتکش به پریایی یک انقلاب اجتماعی وحشت دارد، با بیان اینکه "فرصت ها هنوز از دست نرفته است"، به خامنه ای و دیگر مسئولان فاسد نظام جمهوری اسلامی توصیه کرده است: "بازگشت صادقانه به اصول قانون اساسی و تحقق حقوق و حاکمیت ملت" می تواند ایران را "از افتادن به ورطه فروپاشی اجتماعی و اقتصادی نجات دهد".

خطر فروپاشی نظام به آنچنان کابوسی برای نیروهای جمهوری اسلامی تبدیل شده است که حتا احمدی نژاد نیز این خطر را علنا و آشکارا جار می زند. احمدی نژاد و نیروهای وابسته به او که خود نقش بسزایی در ایجاد، ترویج و گسترش بی عدالتی، اختناق، سرکوب، کشتار و بگیر و ببند در جامعه داشته اند، در وحشت از انقلاب و عروج دوباره خیزش عمومی توده ها، بیانیه پشت بیانیه صادر می کنند، نامه های سرگشاده به خامنه ای می نویسند، از رواج ظلم بر توده ها سخن می گویند، از اعمال تبعیض، بی عدالتی و فساد نهادینه شده در نهادهای حکومتی، علی الخصوص در دستگاه قضایی داد سخن می دهند.

در میان تمامی بیانیه ها و نامه های هشدارآمیز تاکتونی، نامه سرگشاده و تهدیدآمیز ۳۰۰ فعال حزب الهی به خامنه ای، از جمله جدی ترین هشدارهایی است که تاکنون نسبت به ناتوانی و از هم گسیختگی درونی جمهوری اسلامی طرح شده است. امضاء کنندگان این نامه که عموماً از مقام ها و فعالان سابق بسیج دانشجویی بوده اند، با لحنی تهدیدآمیز اعلام کرده اند: "نگرانی عمومی نسبت به آینده کشور، گسست بین مردم و حاکمیت، و تردید نسبت به امکان تحقق آرمان های انقلاب در ساختار سیاسی فعلی و سازوکارهای موجود، به بالاترین سطح خود در چهار دهه گذشته رسیده است"، تا جایی که ممکن است جمهوری اسلامی "به تجربه ای ناموفق برای آیندگان تبدیل گردد".

اهمیت این نامه، نه در سرگشاده بودن و نه در کمیت امضاء کنندگان آن، بلکه در هویت امضاء کنندگان این نامه است. ۳۰۰ حزب الهی منتسب به خامنه ای، عناصری با هویت "ذوب شدگان در ولایت" که همواره طی سالیان گذشته قداره کش منویات ولی فقیه در دانشگاه و جامعه بوده اند، اکنون طی نامه ای سرگشاده به خامنه ای، عملکرد مجموعه نهادهای دولتی و حکومتی را زیر سوال برده و "غیر قابل دفاع" دانسته اند.

در صفحه ۷

نگرانی نسبت به فروپاشی نظام اما، صرفاً در محدوده هشدارهای یاد شده در بالا متوقف نشدند. سپاه پاسداران نیز در بیانیه ای که به مناسبت ۱۲ فروردین، روز استقرار جمهوری اسلامی صادر کرد، به صراحت نگرانی خود نسبت به وضعیت موجود را ابراز کرده است. در بیانیه سپاه، با اشاره به موقعیت بحرانی، شکننده و نابسامانی هایی که جمهوری اسلامی اکنون در آن قرار دارد، آمده است: "کارنامه درخشان جمهوری اسلامی در آستانه ورود به دهه پنجم... امروز به شدت در معرض تهدید و تهاجم جبهه استکبار و دشمنان میهن اسلامی [تو بخوان کارگران و توده های ستمدیده] قرار گرفته است. بیانیه سپاه پاسداران، اگرچه به تبعیت از روضه خوانی های خامنه ای، بجای شکست ها، رسوایی ها، گسترش فقر و فلاکت، از دیداد بیکاری، حاشیه نشینی، فحشا، اعتیاد، بی خانمانی و رواج روز افزون کودکان کار و خیابانی، ترجیح داده است تا به طرز مشمزز کننده ای از "کارنامه درخشان" جمهوری اسلامی سخن بگوید، اما، آنچه این بیانیه را حائز اهمیت می کند، بیم استتار شده در متن بیانیه است. بیم و هراسی که به رغم ظاهر سازی سپاه پاسداران در نمایش مضحک "کارنامه درخشان" جمهوری اسلامی، در متن بیانیه مستتر است.

وحشتی آشکار از برآمد خیزش های توده ای که سپاه پاسداران سعی کرده است آن را زیر پوشش "تهاجم جبهه استکبار" و تلاش "دشمنان میهن اسلامی" در "القای ناکارآمدی نظام در حل مسائل اقتصادی و معیشتی مردم"، "ایجاد شکاف بین نسل جوان و آینده سازان کشور با نظام" استتار نماید. سپاه پاسداران با نادیده گرفتن چهل سال تحمل فقر و فلاکت، بیکاری، بی خانمانی، سرکوب، تبعیض، شکنجه، زندان و بی حقوقی محض به کارگران و توده های زحمتکش جامعه، بجای اینکه ریشه ناراضیاتی عمومی و خیزش انقلابی توده ها را در عملکرد سرکوبگرانه و کارنامه ننگین جمهوری اسلامی جستجو کند، اعتراضات موجود را صرفاً نتیجه "حسادت، عداوت و دشمنی نظام سلطه و صهیونیسم و دولت های مرتجع و وابسته منطقه" قلمداد کرده است.

خیزش انقلابی توده ها، حضور اعتراضات خیابانی و نمایش قدرتمند توانایی آنان در دی ماه ۹۶، فقط به ایجاد التهاب و وحشت فزاینده در درون ارگان های حکومتی محدود نمانده است. قدرت عظیم توده ها و وحشت از وقوع انقلاب اجتماعی که اینبار طبقه کارگر و توده های زحمتکش جامعه پرچمدار واقعی آن هستند، همانند آبی که در خوابگاه مورچگان ریخته باشند، تمامی افراد، سازمان ها، نهادها و ارگان هایی را که به نحوی منافع سیاسی و اقتصادی آنان همچنان به بند ناف جمهوری اسلامی بسته است و طی چهل سال گذشته به طرق مختلف در استقرار و استحکام این نظام ارتجاعی نقش داشته

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

زنده باد تشکل مستقل کارگری پاینده باد مبارزات کارگران هفتتپه

شوش مراجعه کردند که به آن‌ها گفته شد دادستانی تعطیل است، اما بعد از ظهر همانروز نیروهای انتظامی و امنیتی با ادعای عدم حضور کارگران در دادستانی و با در دست داشتن حکم جلب کارگران، تعدادی از کارگران پیشرو و فعالان اعتراضات کارگری هفتتپه را در محل شرکت و تعداد دیگری را در محل سکونتشان بازداشت کردند.

این بازداشت‌ها و دستگیری‌ها روز بعد نیز ادامه یافت. مدیریت شرکت همچنین در یک لیست اسامی، ۲۰ تن از کارگران را ممنوع‌الورود اعلام کرد و باشیوه‌های گوناگونی تلاش کرد میان کارگران تفرقه ایجاد کند. شمار زیادی از فعالان و اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه جزو احضار شده‌ها، بازداشتی‌ها و ممنوع‌الورودی‌ها بودند.

سرانجام پس از این سرکوب‌های گسترده، کوره بخار به زور سرنیزه و نیروی انتظامی در ۱۲ فروردین روشن شد!

مدیریت شرکت و هم‌دستان آن در دستگاه‌های عریض و طویل دولتی، از جمله نیروهای انتظامی و امنیتی، بر این خیال بودند که بعد از سرکوب و خشونت و وحشی‌گری و بیرحمی علیه کارگران و بعد از بازداشت‌ها و احضارهای گسترده، قادرند کارگران را مرعوب و به تمکین و اداری سازند. اما این نخستین بار نبود که کارگران هفتتپه مشمول سرکوب و احضار و بگیر و ببند می‌شدند. مدیریت شرکت و سرکوبگران حامی آن شاید هنوز نمی‌دانند گذشته است آن زمانی که شاید می‌شد کارگران هفتتپه را با این اقدامات مرعوب ساخت و یا میان آن‌ها تفرقه انداخت.

کارگران هفتتپه متحدند و تا حد امیدوارکننده‌ای توسط تشکل مستقل خود متشکل شده‌اند. کارگر متشکل را نمی‌توان مرعوب ساخت و از میدان بدر کرد. کما این‌که به‌رغم روشن کردن کوره بخار توسط نیروی انتظامی شوش، کارگران شیفت بعد از ظهر همان روز، از حضور در محل کار خودداری کردند. گرچه هر ده کارگر بازداشتی که به زندان دزفول منتقل شده بودند با سپردن وثیقه و فیش حقوقی موقتاً آزاد شدند، اما مانند نماینده کارگران اسماعیل بخشی، حق ورود به شرکت را ندارند. بنابراین مبارزه به‌خاطر دستمزدهای عقب‌افتاده، برای رفع بازداشت‌ها، لغو احکام جلب کارگران، برداشتن منع ورود کارگران، بازگشت به کار همه کارگران و پایان پرونده‌سازی و پیگردهای قضایی و امنیتی در هفتتپه ادامه دارد. یک خواست مهم کارگران هفتتپه، بازگرداندن مالکیت و اداره امور شرکت به بخش دولتی‌ست و تا این خواست محقق نشود، کشت و صنعت هفتتپه روی آرامش به خود نخواهد دید.

سرکوب خشونت‌بار توأم با احضارها و بازداشت‌های گسترده، یک بار دیگر خصومت



داتی کارفرما و مدیریت شرکت نیشکر هفتتپه با کارگران پیشرو و تشکل مستقل کارگران هفتتپه را نشان داد. احضار و پیگرد و بازداشت کارگران پیشرو هفتتپه البته موضوع تازه‌ای نیست. حتی پیش از اعلام موجودیت سندیکا در آبان ۸۷، پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران هفتتپه که در جمع‌ها و کمیته‌های خود متشکل شده بودند و بعد از خود از موسسین سندیکا و عضو هیات مدیره آن بودند، در معرض پیگرد و آزار دائمی نیروهای امنیتی قرار داشتند. با این همه انکار نمی‌توان کرد ایجاد تشکل مستقل و توده‌ای و اعلام موجودیت سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه خار درشتی بود در چشم مدیریت شرکت و صاحبان سرمایه. ده سال پیش تلاش‌های مذبحانه صاحبان سرمایه و حامیان دولتی آن‌ها و توطئه مدیریت برای جلوگیری از شکل‌گیری این سندیکا به‌جایی نرسید. اقدامات سرکوب‌گرانه بعدی آن‌ها برای از هم پاشاندن و قلع و قمع سندیکا نیز با شکست روبرو شده است. تشکلی که توسط خود کارگران پایه‌ریزی و ایجاد شد در پرتو فعالیت کارگران آگاه و حمایت توده کارگران به‌رغم تلفات و افت‌وخیزهایش دوام آورد. این سندیکا در طول ده سالی که از فعالیت آن می‌گذرد توانسته است تأثیرات بسیار مثبتی نه فقط در میان کارگران هفتتپه و مبارزات آن‌ها و آگاه‌سازی و تشکل‌یابی کارگران برجای بگذارد، بلکه این تأثیرات مفید و مثبت در مقیاس کل جنبش کارگری نیز تعمیم یافته است. تجربه این ده سال نشان داده است که کارگران هفتتپه به اهمیت تشکل در نقطه تولید و حفظ آن و به اهمیت مبارزه متشکل پی‌برده‌اند. هزاران کارگر کشت و صنعت نیشکر هفتتپه، رسمی یا غیررسمی عضو این سندیکا هستند، برگرد آن حلقه زده‌اند و در برابر هجوم سرمایه و عمال دولتی آن، از سندیکا و رهبران آن حمایت می‌کنند. اگر مبارزات متشکل کارگران هفتتپه استمرار یافته و تا بدان حد پیش رفته است که امروز زنان کارگر هم‌دوش مردان وارد صحنه مبارزه شده‌اند و اگر در این شرکت آگاهی سیاسی کارگران و گرایش به کنترل کارگری و اداره امور کارخانه پدیدار و تقویت شده است، همه در پرتو کار آگاه‌گرانه و متشکل کارگران پیشرو است. همین

قضاوت و ارزیابی عینا در مورد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز صادق است. در حال حاضر فشارها و پیگردهای امنیتی و پلیسی علیه کارگران آگاه و پیشرو هفتتپه و فعالان سندیکا، تشدید شده است. این گروه از کارگران از همه سو تحت فشارند. اما در عوض توده‌های کارگر هفتتپه که همواره حامی و پشتیبان کارگران پیشرو و فعالان سندیکای خود بوده‌اند، هیچ‌گاه آن‌ها را تنها نگذاشته و تنها نمی‌گذارند چرا که آن‌ها در عمل به مضمون واقعی این گفته نغز پی برده‌اند که "کارگر منفرد هیچ است و کارگر متشکل همه چیز" دفاع از کارگران پیشرو، دفاع از تشکل و کار متشکل است، تنها با اتحاد و تشکل است که می‌توان بر پراکندگی مبارزات و اعتصابات کارگری غلبه کرد و سرمایه‌داران را در مقیاس بزرگتر و عمومی عقب راند. بنابراین، این موضوع حائز اهمیت جدی‌ست که کارگران در تمام واحدهای تولیدی و خدماتی متشکل شوند و مبارزات متشکلی را سازمان دهند. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

زنده باد تشکل مستقل کارگری پاینده باد مبارزات کارگران هفت‌تپه

کمک های مالی

کاتادا- ونگوور

۵۰ یورو	دمکراسی شورایی ۱
۵۰ یورو	دمکراسی شورایی ۲
۵۰ یورو	دمکراسی شورایی ۳

سونیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (اوریل)

سوئد

۲۰۰ کرون	یاد جان فشانان
۲۰۰ کرون	کمونیست گرامی باد

از صفحه ۵

باور به انقلاب و قدرت توده ها

امضاء کنندگان این نامه سرگشاده، قوه قضائیه را "کانون تحمیل ظلم و اجحاف" معرفی کرده اند، شورای نگهبان را "مانعی برای انتخاب افراد شایسته مستقل مورد نظر مردم" دانسته اند، در مورد مجلس خبرگان و امامان جمعه گفته اند، "مواضع آن ها توسط دیگران هدایت می شود" و "تحکیم برخی ناراستی ها با پوشش مذهب به واسطه برخی از ایشان صورت می گیرد"، انتخابات ریاست جمهوری را به عنوان "انتخاب میان بد و بدتر" دانسته اند، از دستگاه دیپلماسی نظام به عنوان دستگاهی که "به سرگردانی میان ذلت پذیری برجامی و سلطه جویی منطقه ای رسیده است"، نام برده اند، و مهمتر اینکه، در مورد نیروهای امنیتی و اطلاعاتی نوشته اند: "گویی به جای امنیت کشور، وظیفه شان محافظت از قدرت برخی حاکمان و جناح های قدرت است... علی الخصوص سازمان اطلاعات سپاه که در چند سال گذشته، بودجه و امکانات بسیار عظیم و گسترده نفوذ بی حساب در کشور پیدا کرده و... به عامل اختلال در امور و محدودیت و فشار" به فعالان سیاسی، رسانه ای و اقتصادی تبدیل شده است.

از تمامی اظهار نظرهای هشدار آمیز تاکنونی که بگذریم، نامه تهدیدآمیز ۳۰۰ فعال حزب الهی به خامنه ای، خود به تنهایی نماد روشنی از ازم گسیختگی درونی نظام جمهوری اسلامی است. این فروپاشی که از سال ها پیش زمینه هایش فراهم شده بود، با خیزش انقلابی و قهرمانانه توده های ستمدیده ایران در دی ماه گذشته، به سرعت نمود بیرونی یافت. این همه تحولات ژرف و دگرگونی در جامعه طی زمانی کوتاه ممکن نبود، مگر به یمن قدرت متحدانه توده ها و خیزش انقلابی آنان در دی ماه گذشته. پس، به قدرت توده ها و به انقلاب باور داشته باشیم.

تشکل توده‌های کارگری تبدیل شوند. اما در شرایط اعتلا بیشتر مبارزه، این مانع از پیش پای کارگران برداشته می‌شود و این تشکل‌ها با ایجاد پیوند میان خود به تشکل‌های توده‌ای طبقه کارگر تبدیل می‌شوند.

در عین حال ناپیوستگی این نکته را از نظر دور داشت در حالی که اتحادیه‌های کارگری عموماً مبارزه طبقه کارگر را در دایره مناسبات بورژوازی موجود محدود می‌سازند، کمیته‌های کارخانه از این خصوصیت برخوردار هستند که مبارزات و مطالبات طبقه کارگر را عمق و وسعت بخشند و علاوه بر مبارزه برای مطالبات روزمره و اقتصادی، پرچمدار مبارزه سیاسی شوند و در شرایط اعتلای انقلابی به کمیته‌های اعتصاب و شوراها کارگری تبدیل شوند و مبارزات کارگری را نیز از چارچوب‌های بورژوازی فراتر برند. تجارب جنبش کارگری در مقیاس جهانی سرشار از این نمونه‌هاست. در جنبش کارگری ایران نیز ما شاهد بودیم که اعتصابات کارگران نفت در سال ۵۷، توسط همین کمیته‌های مخفی و کمیته‌های اعتصاب سازماندهی و هدایت شد و از پیوند آن‌ها نیز کمیته اعتصاب سراسری نفت شکل گرفت که بعداً به شورای سراسری نفت تبدیل گردید.

لازم به ذکر است که تاکید بر کمیته‌های مخفی و تلفیق فعالیت علنی، نیمه علنی و مخفی، به معنای نفی و یا چشم‌پوشی از تشکل‌های علنی و نیمه علنی که توده‌های کارگر را در برگیرد نیست. همچنین سازمان ما به‌رغم تاکید بر کمیته‌های مخفی کارخانه همواره از هر تشکل مستقلی که توسط خود کارگران ایجاد شود - مستقل از هر نامی که داشته باشد- و در راه تحقق مطالبات کارگران مبارزه کند- از نمونه دو سندیکای کارگری در هفت‌تپه و شرکت واحد - حمایت نموده و حمایت خواهد کرد.

جامعه منطق باشد. اگر راه فعالیت علنی و توده‌ای بر او مسدود گردد، کسی اما نمی‌تواند مانع فعالیت مخفی وی شود. بنابر این ایجاد تشکل در نقطه تولید و تلفیق مناسبی از فعالیت علنی، نیمه علنی و مخفی شرط دوام و بقا تشکل کارگری در محیط کار است. کمیته‌های مخفی کارخانه که متشکل از آگاهترین و پیشروترین کارگران است، مناسبترین شکل تشکل کارگری در شرایط حاضر و مشخص ایران است. تردیدی در این مساله وجود ندارد که به نسبت اعتلاء بیشتر جنبش کارگری، جنبه‌های مخفی فعالیت این کمیته‌ها کمرنگتر می‌شود و در موقعیت انقلابی یا زمانی که آزادی‌های سیاسی بر حاکمیت تحمیل شده باشد و ضد انقلاب حاکم از کنترل جامعه و سلطه بر آن ناتوان گردد، به کلی ناپدید می‌شود. در هر حال این فاکتوری است که تا حد زیادی تابع توازن قوا خواهد بود. تجربه فعالیت مبارزاتی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و سندیکای کارگران شرکت واحد نیز گویای این واقعیت است که پس از سرکوب‌های گسترده و تلفات سنگینی که رژیم سرکوبگر و آزادی‌کش جمهوری اسلامی بر این دو سندیکا و فعالان آن وارد ساخت، پرهیز از علنی‌کاری صرف و تمام عیار و گرایش به مخفی‌کاری و نیز حفظ و احیای کمیته‌های کارگری در بیرون و یا حتی در درون سندیکا تقویت شده است.

کمیته‌های مخفی نه فقط در شرایط امروز و محرومیت کارگران از آزادی‌های سیاسی قادرند مبارزات کارگران را حول مسائل مشخص و مطالبات روزمره و بی‌واسطه آنان سازمان داده و متشکل سازند، بلکه به دلیل ساختار انعطاف‌پذیرشان می‌توانند پاسخگوی چشم‌انداز متحول جنبش انقلابی نیز باشند.

نیازی به گفتن نیست که کمیته‌های کارخانه در شرایط خفقان و سرکوب کنونی نمی‌توانند به

از صفحه ۲

درد مشترک و رزم مشترک

به حق "مردم می‌کوشد تمامی معترضان را به زیر پرچم "ناسیونالیسم عربی" براند و در تلاشی مضحک، وعده می‌دهد مسیب تمام مصایب کنونی، یعنی نظام جمهوری اسلامی، حلال مشکلاتشان خواهد بود!

اما زهی خیال باطل. همان گونه که سیر حوادث در خوزستان نشان داد، اعتراضات و خواسته‌های مردم بسیار زود از مرزهای اعتراض به "توهین ملیتی" و مطالبه‌ی "عذرخواهی سران صدا و سیما" درگذشت و در کنار اعتراض به تبعیض‌های ملی و نژادپرستی حاکمان، خواسته‌های عموم توده‌های کارگر و زحمتکش طرح شد. همچون تظاهرات سراسری دی ماه.

از آن گذشته، کارگران آگاه خوزستان بارها نشان داده‌اند، در این کارزار مبارزاتی هم‌درد و هم‌رزم کارگران و زحمتکشان سراسر ایران‌اند و به هیچ گرایش ارتجاعی اجازه نمی‌دهند در میان طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش ایران نفاق



زنده باد تشکل مستقل کارگری پاینده باد مبارزات کارگران هفت‌تپه

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:
NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>
آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat
آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توییتر

<https://twitter.com/fadaiana>
آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>
آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 768 April 2018

مدیریت سعی در بازگیری شکر موجود در انبار شرکت را داشت که کارگران جلو این کار و خروج شکر را گرفتند. هشت فروردین اعتصاب همه بخش‌های شرکت را فرا گرفت. وقتی کارفرما و سایر مسئولین شرکت از توجه و پاسخ به خواست‌های کارگران امتناع کردند، کارگران به سمت "کوی ایلام" و محل مسکونی "رستمی" و "اسد بیگی" و سایر مسئولین شرکت دست به راهپیمایی زدند. بادیگاردها و محافظان مسلح این دو با کارگران درگیر شدند و حتا به سوی آن‌ها تیراندازی کردند. کارگران در ادامه اعتراضات خود، نهم فروردین در برابر فرمانداری دست به تجمع زدند که شماری از کارگران بازداشت شدند و در همان حال که معاون فرماندار و همدست کارفرما، وعده‌هایی به کارگران می‌داد، همدست دیگر او در دادستانی شوش برای حدود ۲۰ کارگر اخطار کتبی می‌فرستاد! کارگران احضار شده صبح روز مقرر (۱۱ فروردین) به دادستانی در صفحه ۶

یکسال مبارزه پیگیر و اعتصاب‌های مکرر کارگران هفت‌تپه که هر بار با مشت‌ی وعده پوچ و تکراری موقتا دچار وقفه می‌شد، تا واپسین روزهای سال ۹۶ ادامه یافت. هفت‌تپه با وعده‌های دروغ کارفرما، احضارها و بازداشت‌های گسترده و بازجویی کارگران پیشرو و برخی فعالان سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه به سال ۹۷ پا گذاشت. دستمزد بهمین و اسفند، پاداش و عیدی مطالباتی بود که طبق وعده کارفرما، پرداخت آن می‌بایستی از نخستین روز کاری سال ۹۷ آغاز گردد که باز هم به آن عمل نشد.
کارگران هفت تپه و سندیکای آن‌ها می‌دانستند و آموخته بودند که جز با اتحاد و اعتصاب و مبارزه متشکل نمی‌توانند حق خود را بگیرند. بنابراین راهی جز اعتصاب و مبارزه وجود نداشت بویژه آن‌که شایعه فروش زمین‌های کشاورزی نیز قوت گرفته بود. هفت فروردین، هفت‌تپه وارد اعتصاب شد. بعدازظهر همان روز



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دکراسی شورایی می‌رسانیم که: برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه سات Satellite Yahsat
فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency
عمودی Polarization Vertical
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate
اف ای سی ۵ / ۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران
(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)
بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران
(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی را مشاهده کنید.
۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

www.didgah.tv
www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>
<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.
توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دکراسی شورایی جهنت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی